



ملیشیه سازی، بازی با زندگی مردم وثبات کشور است!

۲۷ می ۲۰۱۵

تشدید جنگها در شمال افغانستان که معمولاً از وضع امنیتی بهتری برخوردار بود، وتأخیر در دفاع ازین ولایات از جانب نیروهای امنیتی، باعث ایجاد ترس و وحشت در میان برخی ازباشندگان این ولایات وبخصوص افراد با نفوذ وقوماندانهای سابق تنظیمی که طی ۱۵ سال اخیرازجنگ افغانستان سود فراوانی برده اند، گردید. کاربرد شیوه های جنایتکارانه داعشی چون سربریدن اسرای جنگی در بدخشان وپیشروی طالبان تا چند کیلومتری مرکزشهر کندز، در تشدید اضطراب کنونی نزدبرخی دولتمردان ومردم محل نقش مهم دارد. این فضا به برخی فرصت طلبان زمینه داد تا تحت نام (دفاع) از مردم منطقه برای دفاع از خود وجایداد های باد آورده ویا کمک به حفظ قدرت روستایی وکرسی پارلمانی خود، طبل ضرورت ملیشیه سازی را بصدا آوردند .

نخستین چراغ سبزملیشیه سازی را آقای ضیا مسعود، نماینده محمد اشرف غنی در امور "حکومتداری خوب!!" در کندز ضمن مصاحبه با رسانه ها با اظهاراینکه "قوای امنیتی و قوماندان صاحب های جهادی از کندزدفاع میکنند" نشان داد وبا این کار خویش ثابت ساخت که درحکومت فعلی نه کسی مفهوم حکومتداری خوب را میداند ونه به آن متعهد است. هیأتی که آقای مسعود را همراهی میکردجنگسالاران سابق متعلق به تنظیمها را تمویل ومسلح نمودند تا با طالبان بجنگند. این سیلی محکمی بود که رهبران حکومت فعلی (اشرف غنی وعبدالله) برروی اردو وپولیس کشور حواله کردند. آیا قوای ۳۲۰۰۰۰ نفری کشور توان جنگ در برابرطالبان را که تعداد مجموعی جنگنده هایش به اساس ارقام داخلی وخارجی از ۳۰۰۰۰ تجاوزنمیکند، ندارند؟ البته که نیروهای امنیتی هم مورال قوی دارند وهم شجاعت ومهارت. این رهبران حکومت فعلی وگماشتگان بلند رتبه آنها اند که فاقد قدرت نظارت از تحركات پاکستان وطالبان، توانایی پیش بینی قدم های متعاقب دشمن وتدوین پالیسی امنیتی پیش گیرنده برای جلوگیری ازحملات دشمن و تقلیل تلفات نیروهای امنیتی افغانستان اند. وقتی پالیسی سازان امنیتی از طریق رسانه ها از حملات دشمن آگاه گردیده و هر بار برای اقدام متقابل به یکی دوهفته تفکرضرورت داشته باشند، وضعیت آنها اسفبار است. درد این پالیسی سازان را نه ملیشیه دوا کرده میتواند ونه جنگسالار!

گزارشگر نیویارک تایمزر شماره ۲۵ ماه می ۲۰۱۵ از قول عبدال محمدی قوماندان گروپ ۵۰۰ نفری مستقر در شمال وشرق کندز مینویسد: " امنیت ملی افغانستان برای ما مهمات داد وبرای هر فردگروپم ۲۰۰ دالرمعاش ماهانه". نیویارک تایمزر در همان گزارش مینویسد: " آقای علم، یکی از بزرگترین قوماندانان ملیشیه در منطقه، بخواست حکومت، از تاجکستان آمده تا در دفاع ازشهرسهم بگیرد. آقای علم طی تماس تلفونی از اینکه ملیشیا را بسپح میکند، انکارنموده گفت که تمام افرادش قبلاً توسط حکومت خلع سلاح شده اند بجز سه بادیگاردش فرد مسلح دیگری ندارد. اما یک مقام سابق امنیتی به نیویارک تایمزرگفت که آقای علم هنوزهم یک شبکه ۱۵۰۰ الی ۳۴۰۰ نفری ملیشیا را در آن منطقه کنترل میکند. همین امسال رییس جمهورغنی درجریان صحبت با مشاورین خود ملیشیاای قوماندان علم را یک منبع بی امنیتی درکندز خوانده وخواستار خلع سلاح آنها شده بود. اما بعد ازآشکارشدن پیشروی طالبان درکندزبه همان جنگسالار رو آورد". اسد الله قوماندان دیگر ملیشیا در مصاحبه ۲۶ می ۲۰۱۵ با تلویزیون طلوع از همکاری اش با دولت در دفاع ازشهر صحبت کرد. محمدعمروالی کندز نیز در صحبت با طلوع نیوز از پالیسی تسلیح جنگسالاران وملیشیه سازی دفاع نموده ونقش آنها را مؤثرخواند .

عطا محمد نور سرپرست ولایت بلخ که با استفاده از کرسی طلایی خویش، یعنی مقام ولایت بلخ ومعاملات خفیه ای که چندی قبل روزنامه آلمانی زبان شپیگل از آن پرده برداشت، میلیارد شده است، با آمدن طالبان به شمال موقف وداریایی خویش را درخطر دیده، تحت شعار دفاع ازشمال دولت مرکزی راهشدار دادکه ازشمال خوب دفاع کند ودرغیرآن والی صاحب به پیشه قدیم خویش یعنی قوماندانی ملیشیه تنظیمی رو خواهد آورد. هرفردیکه سالهای نودمیلادی را بخاطر دارد میداند که منظورآقای نوراینبود که شخصاً به ملیشیه سازی دست زده واعضای DDR شده جمعیت اسلامی را دوباره مسلح میسازد. به گزارش نیویارک تایمزرشماره ۲۵ ماه می ۲۰۱۵ آقای نور وسیعاً کار ملیشیه سازی ومسلح ساختن تفنگسالاران سابق را شروع کرده است. همین روزنامه از ملیشیه سازی در شمال توسط جنرال دوستم هم خبر میدهد. اینکه چرا معاون اول رئیس جمهور وسرپرست ولایت بلخ ملیشیه سازی میکنند؟ واین اسلحه که توزیع میگردد از کجا شده است؟ سوالهایی ست که باید آقایان غنی وعبدالله ازهمکاران وهم پیمانان خود بکنند وبه مردم افغانستان توضیحات بدهند. بیم آن میروود که بزودی آقای محقق هم ملیشیه سازی را شروع کند وبا

اختلافات و روابط با کشور های همسایه که این جنگسالاران از دهه نود میلادی دارند، باز هم خطر بالقوه در گرفتن آتش خانه جنگی، تجاوز به جان، مال و ناموس مردم ملکی و تخریب دارایی های عامه را در ولایات شمال تشدید کند. آیا اجتماع یک هزار نفری در بدخشان که خواستار تشکیل ملیشیا محلی شد، یک حرکت خودجوش مردم عادی بدخشان بود؟ آیا اجتماع کنندگان بر علیه حاکمیت و ظلم طالبان در منطقه خود قیام کرده بودند؟ ابدأ نه. این زورمندان محلی بودند که میخواستند با سواستفاده از فضای روانی ایجاد شده در حکومت، با اسلحه و پول بیت المال برای شخص خود و وکلای وابسته بخود، پایگاه زورگویی بالای مردم بی پناه محلی بسازند. زمانیکه دولت افغانستان به افراد وابسته به یکی از تنظیمها در ایجاد ملیشیا کمک کند، ناگزیر خواهد شد تا همین امتیاز را به تنظیمها و اقوام مخالف آنها هم بدهد، در غیر آن آنها برای اخذ سلاح به طالبان میبایستند. و اگر حکومت به همه گروپهای درخواست دهنده، اسلحه و معاش دوسدالری بدهد، باید منتظر خانه جنگی در تمام سمت شمال باشد. واضح است که از همچو وضعی طالبان نفع خواهند برد، نه دولت نابسامان مرکزی.

رحمت الله نبیل، رییس عمومی امنیت ملی چند ماه قبل در جریان استیضاح در ولسی جرگه، اعتراف نمود که صرف توان کنترل ۴ دروازه شهر کابل را دارد و ۲۲ دروازه دیگر در دست گروه های مسلح غیر مسؤل یعنی گروه های ملیشیا ی مورد پشتیبانی وکلای شورا و مقامهای بلند پایه دولتی میباشد. اینکه حالا آقای نبیل بدست خود و با مصرف پول بیت المال در شمال کشور به ایجاد موانع در برابر تأمین امنیت و حاکمیت دولت مرکزی دست میزند، سوال بزرگی را در مورد تعهد خودش به دولت مرکزی بوجود می آورد.

بهرتر خواهد بود اگر شورای امنیت ملی و مقامهای رهبری ارگانهای امنیتی افغانستان، بعوض توسل به ملیشیه سازی و امضای تفاهمنامه استخباراتی با پاکستان، شیوه های کارکرد خود را مورد بازنگری انتقادی قرار دهند. آگاهی خویش از تحرکات دشمن را بالا ببرند قدرت پیش بینی قدم های بعدی دشمن را در خود انکشاف دهند و بعوض اینکه منتظر حمله دشمن باشند، به تعرض و تارومار ساختن آنها قبل از حمله دست یازند. خواست مردم مناطق جنگزده همیشه اینست که نیروهای امنیتی قبل از آغاز حمله، راه فرار را بر دشمن ببندند و بدین ترتیب از حملات بعدی آنها در یک محل دیگر جلو گیری کنند. اگر رهبران حکومت، پالیسی سازان امنیتی و جنرالان نیروهای امنیتی توان اینکار ها را ندارند، بهتر است استعفا بدهند. چه مردم افغانستان به اندازه کافی ستم ملیشیه ها و جنگسالاران را کشیده اند و نمیخواهند بار دیگر چشم شان را این سرمه های آزموده کور کنند.

کمیته حقوق بشر فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا